

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

ع. مؤمن زاده

۰۶ جولای ۲۰۱۱

فشار بر اطفال و کودکان

برهیچ کس پوشیده نیست که جوامع متشکل از افراد است و افراد امروز اطفال دیروز اند که در جوامع به اشکال مثبت و یا منفی تاثیرگذاری باشند. هرگاه ما در یک جامعه اطفالی دارای اعتماد به نفس، مستقل الرأی، حوصله مند و نیرومند تربیت کرده بتوانیم؛ شک نیست که مردانی هم به همین صفات می توانیم داشته باشیم تا جامعه ما را به جاده استقلال و ترقی بکشانند. به عکس هرگاه از زمان طفولیت و دامن مادر، اطفال جبون، بی اراده، خرافات پسند، متکی به دیگران و بدون استقلال فکری تربیه شوند تاثیرات سوء آن در جوامع جبران ناپذیری باشد. فلذا هرگاه در کودکی بالای اطفال فشار جسمی و روانی که بالاتر از قدرت و حوصله شان باشد آورده شود از نمو طبیعی خود باز می ایستند و از نگاه جسمی و یا روانی ناقص بار می آیند و به اصطلاح می سوزند.

در جوامع صنعتی قبل از انقلاب صنعتی کودکان پائین تر از سن بلوغ در فابریکه ها کار می کردند و در نوبت های شبانه وقتی خواب بالای شان غلبه می کرد توسط نگرانها و بالابین ها با وسائل فیزیکی مانع خواب شان گردیده و بیدار نگه داشته می شدند. اما امروز حقوق اطفال قسمت اعظم حقوق بشری را تشکیل داده و اشتراک اطفال را در کارهای بالاتر از قدرت شان جدا ممنوع قرار می دهند. همچنین در کارهای دماغی هرگاه پدر و مادری که علاقه شدیدی به آموزش اولاد خود دارند و در رشته ای که خودشان شوق دارند کودکان را قبل از این که دماغ شان آماده باشد و ادار سازند، نتیجه منفی است و کودکان دلسرد می شوند. به یاد دارم یک جنابی را که خودش به اشعار بیدل علاقه داشت کودک شامل صنف سوم خود را به خواندن و حتی حفظ اشعار بیدل و ادار ساخته بود که در نتیجه آن کودک دلسرد شد و مکتب گریز بار آمد. درین اواخر می شنویم و در تلویزیون های نینیم که دار الحفاظ کودکان بوجود آمده و در حال رونق گرفتن است

و در این دارالحفاظ ها کودکان خورد سن اعم از دختر و پسر اشتراک می ورزند و به حفظ آیات آسمانی قرآن می پردازند. اولاً این یک تنزلی است به مرتبه عالی قرآن و قرآن کتابی نیست که افراد کودک و جاهل به تلاوت بپردازند و از آن کسب معنی و مفهوم کنند و یا به حفظ آن بپردازند، ثانیاً آیات آسمانی قرآن دارای ثقلت و وزن بیشتر از تحمل اطفال صغیر است، ثالثاً این حافظان کوچک از تمامی انکشافات دیگر فکری و دماغی خود بازمی مانند. شاید در بین شان کسانی باشد که به ریاضی، فزیک، کیمیا و طب و غیره استعداد داشته باشند و در آینده خدمات قابل قدری به جامعه نموده بتوانند. و این استعداد های آنها در نطفه خفه می شوند و حافظ آیاتی می شوند که هیچ چیزی از معنای آن درک نمی کنند. یعنی یک کستی می شوند که صرف قرائت کنند و ما از این نوع کست هابتر و خوبتر آنها را در هر جا به دست آورده می توانیم. چهارم هرگاه اینها در اجتماع داخل شوند و تخصص شان تنها حافظ بودن قرآن باشد مانند سائرین خویش، باردوش جامعه می شوند و همیشه نان مفت می طلبند. مانند سائر ملاها و چلی ها و غیره و اگر تعداد دیگری را وارد این قشر مفت خور کنیم حال و احوال جامعه ما ازین بدتر می شود و تعداد بیکاران ما که اکنون نیز رسته معین و تخصصی کارگران معلوم نیست بیشتر می شود.

به نظر من در دارالحفاظ ها صرف کسانی اشتراک کنند که از حله بصارت عاری بوده و اعما باشند چنانچه به طور سنتی از سابق تاکنون همچنین بوده است.